

بررسی رابطه بین میزان اعتماد در سرمایه اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی و ملی (مطالعه موردی دانشجویان تحصیلات عالی دانشگاه تهران)

سیدعلی مرتضوی امامی زواره*

امیرمحمد حاجی یوسفی**

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در اندیشه نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی، بر اعتماد اجتماعی، به عنوان مهم ترین رکن سرمایه اجتماعی و بر میزان مداراگری به عنوان پرورش دهنده ارزش های دموکراتیک از منظر ویژگی های فردی و ارتباطات اجتماعی و همچنین، از منظر رفتارهای مبتنی بر تعاملات اجتماعی تأکید شده است. از آنجاکه نوع نگرش افراد یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر عرصه سیاسی اجتماعی است و با توجه به اینکه مدارای اجتماعی در جامعه، دارای

* دانش آموخته دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (sedaliemami@gmail.com)

** (نویسنده مسئول) دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (am-yousefi@sbu.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۵-۱۹۰

پیامدهایی مانند احترام به عقاید دیگران، آزادی، افزایش اعتماد در روابط اجتماعی، همگرایی، و وحدت ملی است، به نظر می‌رسد، داشتن نگاهی آسیب‌شناسانه به احساس عدم صداقت و اطمینان و کاهش بی‌اعتمادی، در تقویت سرمایه اجتماعی مطلوب و معقول، مفید و مؤثر خواهد بود. در این پژوهش، میزان اعتماد و ابعاد آن و رابطه آن با میزان مدارای اجتماعی و ملی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی ساکن در خوابگاه دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه‌گیری به روش تصادفی در دسترس انجام شده و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد اعتماد اجتماعی (صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹) و پرسش‌نامه مدارای اجتماعی (زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴) استفاده کرده‌ایم که متخصصان و استادان دانشگاه آن را تأیید کرده‌اند و با سطح پایایی (آلفای کرونباخ) به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۰ به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش همبستگی پیرسون، از نرم‌افزار SPSS19 استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد: (۱) بین رفتار مبتنی بر اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ (۲) بین گرایش‌های همکاری‌جویانه با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان نیز رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ (۳) بین صراحت و صداقت و بُعد اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان پاسخ‌دهنده، رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مدارای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماعی، دانشجویان، تحصیلات عالی

مقدمه

یکی از مفاهیم اساسی در نظریه‌پردازی‌های حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، مفهوم «اعتماد اجتماعی» است. ارتباط نزدیکی که این مفهوم با مفاهیم پایه‌ای در علم سیاست، از جمله سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی، مشروعیت و مشارکت سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی، و حکمرانی خوب دارد، سبب شده است که این موضوع، مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال، کلمن در پژوهشی به تأثیر اعتماد بر افزایش سرمایه اجتماعی یا به‌بیان ساده‌تر، به‌عنوان تسهیل‌گر کنش‌های اجتماعی توجه کرده است. او اعتماد و سرمایه اجتماعی را عامل مؤثری بر توفیق برنامه‌ها و تلاش‌های معطوف به توسعه و رشد اقتصادی می‌داند.

به‌نظر اینگلهارت^۱ (۱۹۹۹) اعتماد، سبب تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی می‌شود و بدون آن، هیچ کنش متقابل مطمئنی انجام نمی‌شود. برپایه دیدگاه دیوید جانسون^۲، اعتماد اجتماعی، جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که همواره در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آن‌ها افزایش یا کاهش می‌دهد (جانسون، ۱۹۹۳: ۶۶). لوهمان^۳، مفهوم اعتماد را از دیدگاه ویژه‌ای بررسی می‌کند که کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان دیگر بوده است. او کارکرد اعتماد اجتماعی را درون نظام اجتماعی بررسی کرده و بر این نظر است که کارکرد اعتماد اجتماعی، یک سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال، و رفتارها، تنظیم و هدایت می‌شود (لوهمان،

-
1. Inglehart
 2. David Johnston
 3. Luhmann

۱۹۷۹: ۱۱۲). بنا به تعریف گیدنز^۱، در واقع، اعتماد اجتماعی، عنصری اساسی برای ایجاد احساس آرامش جسمانی و روانی و سرانجام، امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت اینکه ما اغلب در فعالیت‌های جاری خود کمتر از واقعیت، احساس ناتوانی می‌کنیم، به دلیل فقدان اعتماد بنیادین در حالت کلان و نبودن اعتماد اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۱). برپایه نظر فوکویاما، اعتماد اجتماعی، انتظاری است که از رفتار صادقانه و مشارکتی در جامعه به وجود می‌آید و در نتیجه معمولاً هنجارهای مشترکی در آن جامعه وجود دارد (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۶). برپایه نظریه‌های صاحب‌نظران، انسجام و پیوند اجتماعی، به‌ویژه اعتماد مدنی، که می‌توان از آن با عنوان سرمایه اجتماعی نام برد، تأثیر بسزایی در میزان مدارای اجتماعی و ملی و ارتقای آن دارد؛ به این معنا که در تبیین عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر برقراری دموکراسی و جامعه مدنی، یکی از مفاهیم راهبردی که در حوزه مدیریت سیاسی مطرح است، مفهوم مدارای اجتماعی است. مدارا و اعتماد اغلب به‌عنوان دو ویژگی مهم جامعه مدنی در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند (ویدمالم^۲، ۲۰۰۵: ۲۳۳). در جوامع امروزی، وجود نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که در نتیجه کاهش اعتماد احساس می‌شود، باعث شده است که مفهوم اعتماد، دوباره در کانون مطالعات علوم اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. افراد بین کنش‌های گوناگون و گروه‌های مختلفی که با آن‌ها در ارتباط هستند، تمایز قائل می‌شوند و مدارای متفاوتی را در برابر آن‌ها از خود نشان می‌دهند و این امر، اهمیت اعتماد در روابط را نشان می‌دهد (ورکوتین و همکاران^۳، ۲۰۰۷). در واقع، مدارای اجتماعی در بستر اعتماد و تعاملات اجتماعی، موجودیت پیدا کرده، توسعه یافته، و تقویت می‌شود. هرچقدر سطح روابط اجتماعی و به تبع آن اعتماد کمتر باشد، مدارای اجتماعی کمتر می‌شود (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۵: ۱۰؛ به نقل از جلائیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸) که این امر نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این دو مفهوم است. کلاس اوفه در مورد نیاز به مؤلفه اعتماد در جامعه بر این نظر است که: «اعتماد برای رفع نیازهای کلان

1. Giddens
2. Widmalm
3. Verkuyten

جامعه در راستای برقراری نظم، اهمیت دارد و با فرض اینکه اعتماد در همه جوامع وجود دارد، فعال کردن و حفظ آن به جای ایجاد آن- کار درست‌تری است» (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۰۹).

از آنجاکه تداوم ارتباط افراد و دوام محیط‌های اجتماعی با احساس اعتمادپذیری اشخاص، پیوند نزدیکی دارد و همچنین، داشتن روحیه مداراجو این امکان را به تک‌تک افراد می‌دهد که با وجود دیدگاه‌های متفاوت بتوانند در کنار یکدیگر سازگاری داشته باشند، می‌توان مدعی بود که توسعه حقوق شهروندی از طریق احترام و مشارکت کردن و گفت‌وگو و توافق با کسانی به دست می‌آید که متفاوت هستند. نمود این وضعیت در جامعه ایران را می‌توان در دانشجویان دانشگاه‌ها با پراکندگی و گستردگی عقاید، رفتارها، آداب و رسوم، و خلق و خوها مشاهده کرد. همواره مراکز آموزشی، به ویژه محیط دانشگاهی، از بستری بوده است که می‌تواند زمینه‌های انواع مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) و توسعه و امنیت ملی را فراهم کند. در شهر تهران، به دلیل پایتخت بودن و وجود گستره‌ای از مشاغل دولتی و همچنین، وجود دانشگاه‌های ممتازی چون دانشگاه تهران، اقوامی با فرهنگ‌ها و گروه‌های قومیتی گوناگون سکونت دارند که هر یک حامل ارزش‌ها و هنجارهای خاص خودشان هستند و الگوهای رفتاری و سبک زندگی ویژه خود را دارند. این تنوع فرهنگی-اجتماعی و همچنین، وجود نگرش خاص گرایانه در میان شهروندان تهرانی و شهرستانی‌های مهاجر دیگر، باعث ایجاد فاصله اجتماعی میان گروه‌ها شده و اعتماد اجتماعی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ بنابراین، نویسندگان این مقاله، دانشجویان مهمان در خوابگاه دانشگاه تهران را به عنوان جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته‌اند. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش اصلی است که «چه رابطه‌ای میان اعتماد اجتماعی و بروز کنش رفتاری مدارای اجتماعی در بین دانشجویان تحصیلات عالی وجود دارد؟»

۱. تعریف مفهومی و عملیاتی مدارای اجتماعی

یکی از اصولی که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران تأثیر شگرفی دارد، مدارا و تحمل دیگران است. مدارا عمل آگاهانه فرد یا سازمان در خودداری از مخالفت و

سرزنش یا خشونت علیه اعتقادهای دیگری، به‌رغم مخالفت با آن اعتقادات، به شمار می‌آید. به‌نظر وگت (۲۰۰۲)، مدارا، شکلی از خودداری و خودکنترلی است. برپایه تعریف یونسکو: «مدارا به‌معنای احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، شکل‌های گوناگون آزادی بیان، و شیوه‌های متنوع انسان بودن» است (آکیوس و آمبروسویکز^۱، ۲۰۰۳: ۱۲). مدارا هم در رفتار و هم در کردار افراد ظاهر می‌شود؛ بنابراین، نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام‌آمیز در مورد افراد، گروه‌ها، عقاید، و اعمال آن‌ها است (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در واقع، مدارا و تحمل گروه‌ها در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، دینی، و... اهمیت فراوانی دارد. اگر مدارای اجتماعی را نوعی از کنش کنشگران به‌شمار آوریم که تعاملات و ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کند و گرایش به رفتار مسالمت‌آمیز را به‌عنوان منش تأییدشده به‌همراه دارد، با توجه به تعریف‌ها، دیدگاه‌ها، و شاخص‌های مطرح‌شده در زمینه مدارای اجتماعی، می‌توان نقش همبستگی اجتماعی، همدلی، پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس امنیت و بردباری اجتماعی را در ارتقا و تحکیم آن، اساسی دانست (دومهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۷).

گیسون (۲۰۰۵) مدارا را درجه‌ای از گرایش به توسعه حقوق شهروندی برای کسانی می‌داند که ایده‌هایشان تا حدی با جریان اصلی تفکر سیاسی در یک کشور متفاوت است. مدارای اجتماعی، به‌عنوان پایه و اساس دموکراسی و جامعه مدنی در نظر گرفته شده است که بدون آن، نظام اجتماعی دچار اختلال خواهد شد. مدارا، مسئولیتی است که بر ایجاد حقوق بشر، دموکراسی، و حاکمیت قانون تأثیر می‌گذارد. همچنین، مفهوم مدارا، شامل طرد جزم‌اندیشی، مطلق‌گرایی، و تأیید استانداردها در نظر گرفته شده است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰). مفهوم مدارای اجتماعی در این پژوهش، برپایه تقسیم‌بندی پیتزکینگ (۱۹۷۶: ۷۵)، دارای چهار بعد مدارای سیاسی، عقیدتی، رفتاری، و هویتی است که برای سنجش این متغیر برای هر یک از ابعاد گویه‌ها در نظر گرفته خواهد شد.

جدول شماره (۱). ابعاد و شاخص‌های مدارای اجتماعی

ابعاد مدارای اجتماعی	شاخص‌ها
مدارای سیاسی	موافقت با برگزاری تجمع‌ها و نشست‌های احزاب گوناگون، موافقت با برگزاری گردهمایی‌های سیاسی در سطح دانشگاه، حق دادن به گروه‌های سیاسی مخالف برای راهپیمایی، پذیرش سازوکارهای غیرخسونت‌آمیز برای رفع تضادها در جامعه
مدارای عقیدتی	اعتقاد به اینکه همه انسان‌ها برپایهٔ بیانه حقوق بشر، حق آزادی مذهب، سکونت، بیان، و... را دارند و همه باهم برابرند، باور به اینکه فرهنگ و عقاید و باورهای گوناگونی در جهان وجود دارد و باید در عین اعتقاد به باورهای خویش به عقاید دیگران نیز احترام بگذاریم (نسبی‌گرایی فرهنگی)
مدارای رفتاری	مدارا در برابر رفتارهای خارج از عرف اجتماعی مانند روابط جنسی آزاد، مصرف مشروبات الکلی، مصرف مواد مخدر، ارتداد، فیلم‌های مستهجن، هم‌جنس‌گرایی، مدارا در برابر مجرمان و نحوهٔ رفتار با آن‌ها.
مدارای هویتی	این متغیر با استفاده از شش موقعیتی که فرد ممکن است در روابطش با دیگران در آن قرار گیرد، در ارتباط با پیروان ادیان دیگر، افرادی از ملیت‌های دیگر، و قومیت‌های دیگر سنجیده می‌شود. این موقعیت‌ها عبارتند از: ازدواج، همسایگی، همسفرگی، شراکت، هم‌نشینی، و معامله. میزان تمایل فرد به پذیرش این موقعیت‌ها در مورد افراد متعلق به ادیان، اقوام، و ملیت‌های دیگر، نشان‌دهندهٔ میزان مدارای هویتی وی خواهد بود (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳)

۲. تعریف مفهومی و عملیاتی اعتماد اجتماعی

اعتماد، به‌عنوان یکی از محورهای مهم فلسفهٔ اجتماعی و اخلاقی، در تاریخ دیرینه بشر ریشه دارد. در تعریف‌هایی که از اعتماد ارائه می‌شود، به‌طور معمول از انتظارات یا باورهایی یاد می‌شود که افراد دوست دارند که دیگران به‌گونه‌ای پیش‌بینی‌پذیر و نه تنها در راستای منفعت شخصی خود، نشان دهند. به‌زعم مارچ و السن^۱ (۱۹۸۹)، اعتماد اجتماعی، شکلی از سرمایهٔ اجتماعی است که جامعه آن را در گذر زمان به تدریج و از طریق تعاملات افراد به‌شکل فرد با فرد، به‌دست آورده و آن‌گاه به نوعی «خیر عامه» تبدیل می‌شود که مبنای اعتماد افراد دیگر جامعه قرار می‌گیرد. اعتماد اجتماعی، برخلاف اعتماد فردی، از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی و مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۱۸). پارسونز تالکوت، عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم را اعتماد می‌داند. به‌نظر او، اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران برای دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. «وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایفشان اعتماد کرد، که این امر خود، به پایداری و نظم نظام اجتماعی کمک می‌کند» (انعام، ۱۳۸۰: ۲۵).

کاکس با تأکید بر عامل اعتماد، به‌عنوان شاخص ملی سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای، این نکته را یادآوری می‌کند که «در صورت وجود اعتماد در میان افراد جامعه، ارتباط اعضای خانواده، دوستان و همسایگان، همکاران، بیماران، مراقبان بهداشت، هم‌گروه‌ها و اجتماع‌ها، مؤثرتر می‌شود؛ درحالی‌که فقدان اعتماد، با عدم پیروی از قوانین، رفتار ضداجتماعی، خودکشی، خشونت، و مشکلات اجتماعی دیگری همراه خواهد بود» (بهزاد، ۱۳۸۱: ۵۰).

رابطه مبتنی بر اعتماد اجتماعی، دارای عناصر و جنبه‌هایی مانند صداقت، صراحت، سهیم کردن دیگران در اطلاعات و عقاید و افکار و احساسات، احترام و ارزش قائل شدن برای طرف مقابل، حمایت از توانایی‌ها و شایستگی‌های طرف مقابل، گرایش‌های همیارانه و یاری‌گرایانه و رفتارهای اعتمادآمیز است (ابراهیمی و علی‌پور نجمی، ۱۳۹۲: ۵۲). زتومکا^۱، نویسنده و پژوهشگر لهستانی، توانسته است متغیرهای ساختاری مؤثر بر اعتماد یا بی‌اعتمادی در جامعه را به‌روشنی بیان و اهمیت آن را خاطر نشان کند. او بر این نظر است که: «سعی ما باید بر این باشد که زمینه‌های گسترده‌تری را که موجب فرهنگ اعتماد یا برعکس، فرهنگ بی‌اعتمادی می‌شوند، مشخص کنیم. اگر فرصت‌های ساختاری و منابع عاملیتی با یکدیگر هماهنگ باشند، آن‌گاه زمینه ظهور توسعه سیاسی فراهم خواهد شد. به‌نظر زتومکا، موقعیت مکانی می‌تواند تسهیل‌کننده اعتماد یا بازدارنده آن باشد. در این بحث نیز مقصود زتومکا، تأکید بر عوامل ساختاری‌ای است که در هر جامعه‌ای می‌تواند قابلیت توسعه سیاسی را افزایش یا کاهش دهد. در یک تحلیل کلی، می‌توان چنین گفت که زتومکا با جمع‌بندی نظریه‌های موجود درباره اعتماد و نگرش به توسعه سیاسی، از جمله نظریه فوکویاما، ویلسون، کلمن، هاردین، لومان، گیدنز و دیگران، بر این نظر است که این نظریه‌ها به دو دسته از عوامل، شامل عوامل انگیزشی‌ای مانند انگیزه‌های اخلاقی (پانتام^۲، ۲۰۰۰) اعتماد بنیادی (گیدنز)، و جامعه‌پذیری فطری (فوکویاما^۳، ۱۹۹۹)، که از طبیعت انسانی سرچشمه می‌گیرند، و عوامل

1. Sztompka
2. Putnam
3. Fukuyama

فرهنگی مانند «ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، کدها، نهادها، شکل سازمانی، الگوهای گفت‌وگو» و مهم‌تر از همه، موقعیت مکانی اعتماد و به‌ویژه فرهنگ اعتماد، تقسیم می‌شوند (ارسیا و ساعی، ۱۳۹۸: ۹). بدیهی است که بدون اعتماد اجتماعی، زندگی روزمره غیرممکن است. وجود اعتماد، مؤلفه اصلی تمام روابط اجتماعی پایدار است. اعتماد و اعتماد کردن، نوعی راهبرد مهم برای رویارویی با شرایط نامعین و کنترل آینده است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۳). درباره اهمیت اجتماعی اعتماد می‌توان به چند نکته اشاره کرد: نخست اینکه اعتماد، سبب ایجاد انتظام، انسجام، و تعاون اجتماعی می‌شود؛ دوم اینکه استفاده رایگان از منابع و منافع جمعی را تسهیل می‌کند؛ سوم اینکه، تعاملات اجتماعی را تنظیم می‌کند. درباره اهمیت سیاسی اعتماد می‌توان گفت: (۱) اعتماد، مشوق تساهل است و نتایج پژوهش‌های میدانی نیز وجود رابطه مستقیم بین تساهل و اعتماد را تأیید می‌کند؛ (۲) اعتماد، تأییدگر، مشوق، و تحکیم و تثبیت‌کننده دموکراسی است؛ (۳) اعتماد، عنصر مهمی برای مشروعیت‌بخشی به حاکمان است؛ (۴) اعتماد، موجب تشویق مشارکت سیاسی می‌شود و البته مشارکت مؤثر و آگاهانه می‌تواند تقویت اعتماد را در پی داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۶).

در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که بیشتر بر موضوع اعتماد یا مدارای اجتماعی متمرکز بوده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۳. پیشینه پژوهش و توسعه فرضیه‌ها

فتحعلی در کتاب خود با عنوان «تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی - مدارا را در سه حوزه اخلاقی، دینی و سیاسی»، مدارا را در سه حوزه اخلاقی، دینی، و سیاسی، بررسی کرده است. وگت (۲۰۰۲)، مدارا را به سه نوع مدارای سیاسی، اخلاقی، و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. اما پیترکینگ (۱۹۷۶) در الگوی خود که به‌نظر می‌رسد نسبت به الگوهای دیگر، جامع‌تر باشد - چهار بعد را برای مدارا در نظر می‌گیرد که عبارتند از: مدارای عقیدتی، مدارای سیاسی، مدارای هویتی، و مدارای رفتاری (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

نتایج پژوهش قدیمی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل

مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه زنجان» نشان می‌دهد که به‌نظر دانشجویان دانشگاه‌های زنجان، بین برخی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی، به‌ویژه (مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، نابهنجاری اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری اجتماعی، گرایش به ریسک اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود، تعهد اجتماعی) و اعتماد اجتماعی، رابطه‌ی زیادی وجود دارد و این رابطه، بین بعضی دیگر از مؤلفه‌ها، از جمله منزلت اجتماعی و اقتدار اجتماعی، حالت متوسطی دارد. در تحلیل نهایی، متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، و امنیت اجتماعی، نسبت به متغیرهای دیگر در ایران، برجستگی ویژه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که در تبیین و پیش‌بینی اعتماد اجتماعی، بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. برپایه‌ی یافته‌های این پژوهش، اعتماد اجتماعی، ضمن داشتن رابطه با بسیاری از متغیرهای موردتوجه در دیدگاه‌های خرد، برای دستیابی به دریافتی از پدیده‌های سطح کلان که متضمن اعتماد هستند، سودمند است و عاملی برای تلفیق دیدگاه‌های خرد و کلان در چارچوب مفهومی اعتماد اجتماعی به‌شمار می‌آید.

مقتدایی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن» به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند آنومی و جزم‌اندیشی، رابطه‌ی معناداری با مدارای اجتماعی در شهر اهواز دارند. همچنین، ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی، و تحصیلات، رابطه‌ی مثبت و معناداری با مدارا دارند. متغیرهای جمعیت‌شناختی‌ای همچون جنسیت، وضعیت تأهل، قومیت، و محل تولد نیز به‌طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارند.

نتایج پژوهش تاج‌الدین (۱۳۹۱) با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق)» نشان داد که بین متغیرهای مستقل رضایت شغلی، ریسک‌پذیری، و پیوندهای اجتماعی با میزان اعتماد اجتماعی، به‌عنوان متغیر وابسته، رابطه‌ی معناداری وجود نداشته و تنها بین متغیر از خودبیگانگی با میزان اعتماد اجتماعی، رابطه وجود داشته است و در مجموع، میزان تأثیرپذیری متغیر وابسته از متغیرهای مستقل در سطح پایینی بوده است.

بهشتی و رستگار (۱۳۹۱) در تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای قومیت، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری، و سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند. قوم‌مداری و نیز جامعه‌پذیری قومی، ارتباط منفی و معناداری با مدارای اجتماعی دارند. میزان مدارای اجتماعی در بین اقوام ایرانی، به مقدار ۲/۷۶، کمی بالاتر از سطح میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) است. میزان قوم‌مداری در بین اقوام مورد مطالعه بالاتر از سطح میانگین است و اقوام در ویژگی مدارا و پذیرش یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

گلابی و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان» به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن، دارای همبستگی مستقیم معناداری است، ولی مشارکت و مدارای اجتماعی، بر پایه وضعیت تأهل دانشجویان، معنادار نبوده است.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)» دریافته‌اند که از بین ویژگی‌های شخصیتی، تنها وظیفه‌شناسی، نقش تبیین‌کنندگی مدارای اجتماعی را دارد. در مورد تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ابعاد مدارای اجتماعی، توافق‌پذیری، تبیین‌کننده مدارای عقیدتی، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری، تبیین‌کننده مدارای رفتاری، وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری و باز بودن، تبیین‌کننده مدارای سیاسی و همچنین ویژگی باز بودن و برون‌گرایی، تبیین‌کننده مدارای هویتی هستند.

ظهوری‌نیا و نیک‌خواه (۱۳۹۴) در سنجش میزان اعتماد اجتماعی بین ساکنان شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن، به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین اعتماد اجتماعی بین ساکنان شهر بندرعباس در حد متوسط و کمتر از آن است. نتایج این پژوهش، حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای سن، میزان تحصیلات، احساس تعلق جمعی، و پایبندی دینی با میزان اعتماد اجتماعی است. بین نوع شغل و میزان درآمد با میزان اعتماد اجتماعی، رابطه معناداری وجود نداشت و همچنین، تفاوت معناداری بین جنسیت و میزان اعتماد اجتماعی دیده نشده است. وضعیت

تأهل نیز با میزان اعتماد اجتماعی، رابطه معناداری داشت و اعتماد اجتماعی افراد متأهل، بیشتر از افراد مجرد بود.

رضایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران» به این نتیجه رسیده‌اند که میان اعتماد به سازمان‌های دولتی، اعتماد به استادان و امور اداری دانشگاه، و اطمینان به افراد و آشنایان، با میزان مشارکت سیاسی دانشجویان، رابطه مستقیمی وجود دارد.

جلاییان بخشنده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختاربنندی گیدنز» به این نتیجه رسیده‌اند که متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن، در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مدارای اجتماعی را دارد.

هالپرن (۲۰۰۳) با بررسی تأثیرات تحصیلات عالی بر مدارا، ارتباط بین افزایش سال تحصیلات عالی و مدارا نسبت به گروه‌ها و قشرهای مختلف دریافته است که معنای مدارا از دانشجویان سال اول به دانشجویان سال دوم و سوم افزایش یافته است، اما مدارای دانشجویان سال آخر کاهش یافته است. ارتباط کلی بین متغیر مدارا و سال آموزشی، مثبت بود، اما معنادار نبود؛ بنابراین، رابطه بین افزایش مدارای اجتماعی با بالا رفتن سال تحصیلی تأیید نشد.

اله یاراحمدی (۲۰۱۳) در بررسی نقش اعتماد اجتماعی در جوامع براساس نظریه‌های جامعه‌شناختی، نقش و تأثیرات اعتماد اجتماعی را در جوامع برپایه نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و مدرن مانند کلمن، گیدنز، فوکویاما، پارسونز و اینگهارت بررسی کرده است. مفهوم اعتماد برای کلمن، یک مفهوم محوری است. به نظر وی برآورد نیازهای افراد از طریق تعاملات اجتماعی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، به کنش اجتماعی پرداخت می‌شوند و اعتماد، عاملی است که برای شکل‌گیری و نگهداری و جلب رضایت طرفین لازم است. گیدنز بر این نظر بود که امروزه جامعه برای توسعه باید به مفهوم اعتماد، اعتماد کند. به‌طورکلی اعتماد در جوامع مدرن، اهمیت زیادی دارد. وی در بحث خود درباره سه نوع اعتماد؛ اعتماد اساسی، شخصی، و انتزاعی را فراخوانده است. از دیدگاه فوکویاما، اعتماد، بخشی از سرمایه اجتماعی و

اقتصادی است. همچنین، اعتماد بین مردم، دلیل اصلی تشکیل شرکت‌ها، گروه‌ها، و مجموعه‌های جدید است. پارسونز تأکید می‌کند که هنگامی که اعتماد وجود دارد، افراد، منافع شخصی خود را ترک می‌کنند. سرانجام، پژوهش‌های اینگلهارت نشان داد که بین رضایت از زندگی و خوشبختی، با سطح توسعه اقتصادی، رابطه مثبتی وجود دارد.

ثریا سیتانگ و همکاران (۲۰۱۳)، در بررسی فرهنگ مدارا در خانواده‌های تازه‌مسلمان شده در مالزی به این نتیجه رسیده‌اند که زندگی در محیطی که چنددینی امری عادی به‌شمار می‌آید، همچنین، توسعه مذهبی و مدارای فرهنگی بین خانواده‌های آن منطقه وجود دارد، باعث افزایش درک متقابل، احترام، و مدارا با مسلمانان جدید می‌شود و سرانجام، پاسخ حمایتی خانواده‌ای را در پی دارد که به‌تازگی سبک زندگی جدید را به‌عنوان مسلمان پذیرفته است.

کرولی و والش (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «برای رضایت از زندگی در اروپا کدام مهم‌تر است؟ روابط شخصی، اعتماد، یا مدارای اجتماعی؟» نشان داده‌اند که روابط ساختاری قوی فرد با دوستان و خانواده، مدارای اجتماعی، و اعتماد کردن، رضایت از زندگی را بهبود می‌بخشد.

با توجه به پیشینه مطرح‌شده و هدف پژوهش حاضر، فرضیه‌های تحقیق به‌شرح زیر است.

فرضیه اصلی پژوهش این است که «بین رفتار مبتنی بر اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد»؛ به این معنا که هرچه میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان به یکدیگر بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی در بین آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه‌های فرعی پژوهش نیز عبارتند از اینکه: «بین گرایش‌های همکاری‌جویانه و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد»؛ به این معنا که هرچه میزان گرایش‌های همکاری‌جویانه دانشجویان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی در بین آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

«بین صراحت و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد»؛ به این معنا که هرچه میزان اعتماد مبتنی بر صراحت دانشجویان به یکدیگر بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد.

«بین صداقت و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد»؛ به این معنا که هرچه میزان اعتماد مبتنی بر صداقت دانشجویان به یکدیگر بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی نیز در بین آنها افزایش می‌یابد.

«بین اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد»؛ به این معنا که هرچه میزان اعتماد مبتنی بر اطمینان دانشجویان به یکدیگر بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی در بین آنها نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به توضیح‌های ارائه‌شده و با در نظر گرفتن توسعه فرضیه‌ها، سرانجام، الگوی مفهومی پژوهش حاضر به شکل نمودار شماره (۱) طراحی شده است.



منبع: الگوی مفهومی پژوهشی صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹

۴. نوع پژوهش، جامعه آماری، و روش نمونه‌گیری

این پژوهش به لحاظ منطق روش‌شناختی، از نوع پژوهش‌های مقطعی-پیمایشی، براساس هدف، از نوع کاربردی، و به لحاظ روش و ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان پسر حاضر در خوابگاه دانشگاه تهران هستند و دلیل انتخاب این دانشگاه، مهاجرپذیر بودن شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران و تنوع قومی شهروندان این شهر است. در مورد حجم نمونه، به دلیل اینکه پرسش‌نامه در اواخر ترم نخست سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ توزیع شد و بسیاری از دانشجویان شهرستانی برای تعطیلات میان‌ترم به محل سکونت خود بازگشته بودند، از تعداد حدود ۱۱۰ نفر موجود در خوابگاه پسرانه، با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۸۶ نفر به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی دردسترس، انتخاب و

پرسش‌نامه به شکل حضوری، توزیع شد.

داده‌های موردنیاز از طریق فن پرسش‌نامه به روش میدانی، گردآوری شدند. بخش نخست پرسش‌نامه، دربردارنده پرسش‌های مربوط به اطلاعات زمینه‌ای و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گو و بخش دوم آن، مربوط به اعتماد اجتماعی (صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹) و مدارای اجتماعی برپایه نظریه پیتزکینگ (۱۹۷۶: ۷۵) شامل پنج بعد مدارای دینی، سیاسی، عقیدتی، رفتاری، و هویتی است که با استفاده از یک طیف پنج‌قسمتی از یک تا پنج اندازه‌گیری شده‌اند: (۱) کاملاً مخالف؛ (۲) مخالف؛ (۳) تاحدودی؛ (۴) زیاد؛ (۵) خیلی زیاد، مورد سنجش قرار گرفته است. این پرسش‌نامه به دلیل اعتبار درونی بالایی که دارد، در پژوهش‌های سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) و همچنین، ترکارونی (۱۳۸۸) و زالی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) استفاده شده است. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از محاسبه مبتنی بر آزمون ضریب آلفای کرونباخ و تأیید آن برای کل نمونه آماری استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسش‌نامه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی، به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۰، نشان‌دهنده پایایی پرسش‌نامه‌های این پژوهش است.

جدول شماره (۲). ترکیب سؤال‌های پرسش‌نامه پژوهش

متغیر	مؤلفه	تعداد پرسش‌ها	منبع
اعتماد اجتماعی	رفتار مبتنی بر اعتماد کردن	۵	صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹
	گرایش‌های همکاری‌جویانه	۵	صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹
	صراحت	۵	صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹
	صداقت	۵	صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹
	اطمینان	۵	صفاری‌نیا و شریف، ۱۳۸۹
مدارای اجتماعی	مدارای دینی	۷	زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴
	مدارای سیاسی	۷	زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴
	مدارای قومیتی	۴	زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴
	مدارای ملیتی	۴	زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴
	مدارای رفتاری-اخلاقی	۴	زالی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴

۵. روش‌های تجزیه و تحلیل آماری

داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار Spss در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده‌اند. در سطح توصیفی، از آمارهای جدول فراوانی و درصد، و در سطح استنباطی، با توجه به سطوح سنجش متغیرها، از آمارهایی مانند همبستگی

پیرسون برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان پسر، برپایه وضعیت تأهل، سن، و تحصیلات، در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳). ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه آماری پژوهش

درصد	فراوانی	طبقات	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۷۹/۱	۶۸	مجرد	تأهل
۲۰/۹	۱۸	متأهل	
۱۱/۶	۱۰	۱۷ تا ۲۳ سال	سن
۵۷	۴۹	۲۴ تا ۲۹ سال	
۳۱/۴	۲۷	۳۰ تا ۳۵ سال	تحصیلات
۷/۰	۶	کارشناسی	
۳۸/۳	۳۳	کارشناسی ارشد	
۵۴/۷	۴۷	دکتر	

برپایه داده‌های جدول شماره (۳) ۲۰/۹ درصد پاسخ‌گویان، متأهل و ۷۹/۱ درصد، مجرد بودند. ۱۱/۶ درصد پاسخ‌گویان، سن ۱۷ تا ۲۳ سال، ۵۷ درصد سن ۲۴ تا ۲۹، ۳۱/۴ درصد سن ۳۰ تا ۳۵ سال داشتند. ۷ درصد پاسخ‌گویان، دانشجوی کارشناسی، ۳۸/۳ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد، و ۵۴/۷ درصد نیز دانشجوی دکترا بودند.

۷. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

در این بخش، ابتدا پیش از آزمون فرضیه‌ها، نرمال بودن توزیع داده‌ها را ارزیابی می‌کنیم و در صورت نرمال بودن آن‌ها از آزمون‌های پارامتریک و در غیراین صورت، از آزمون غیرپارامتریک استفاده خواهیم کرد. در این راستا، روش‌های گوناگونی همچون آزمون کولموگروف-اسمیرنوف قابل استفاده است. نتایج آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف به تفکیک برای هر یک از متغیرهای پژوهش در جدول شماره (۴) نشان داده شده است.

جدول شماره (۴). آزمون نرمال بودن داده‌ها (کولموگروف-اسمیرنوف)

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۸۶	۱۳/۶۱	۲/۳۶	۰/۹۳۵	۰/۳۴۶
رفتار مبتنی بر اعتماد کردن	۸۶	۱۳/۷۷	۱/۹۵	۱/۴۱۶	۰/۰۳۶
گرایش‌های همکاری‌جویانه	۸۶	۱۷/۹۵	۱/۷۲	۲/۳۶۴	۰/۰۰۰
صراحت	۸۶	۱۵/۱۴	۲/۳۶	۱/۱۹۷	۰/۱۱۴

۰/۰۳۱	۱/۴۴۲	۲/۳۶	۱۸/۴۴	۸۶	صداقت
۰/۳۴۶	۰/۹۳۵	۲/۴۱	۱۳/۶۱	۸۶	اطمینان
۰/۰۹۳	۱/۲۳۹	۷/۲۵	۹۰/۱۸	۸۶	مدارای اجتماعی
۰/۳۲۸	۰/۹۵۰	۳/۹۶	۲۳/۰۸	۸۶	مدارای دینی
۰/۳۲۳	۰/۹۵۴	۲/۳۷	۲۵/۸۷	۸۶	مدارای سیاسی
۰/۰۶۶	۱/۳۰۷	۱/۸۶	۱۳/۶۱	۸۶	مدارای قومیتی
۰/۰۰۷	۱/۶۷۸	۱/۴۸	۱۴/۴۱	۸۶	مدارای ملیتی
۰/۰۰۷	۱/۶۷۳	۱/۷۷	۱۳/۱۹	۸۶	مدارای اخلاقی و رفتاری

در بررسی آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵، نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها است و در غیراین صورت، توزیع غیرنرمال داده‌ها تأیید می‌شود. برپایه نتایج ارائه شده در جدول شماره (۴)، بیشتر متغیرها دارای سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ هستند و توزیع داده‌ها نرمال است؛ از این رو، می‌توان برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

۸. نتایج آزمون فرضیه‌ها

به منظور برآورد روابط بین متغیرهای موجود در الگوی پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. هدف از آزمون ضریب همبستگی، بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان مدارای اجتماعی در دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه تهران است که در صورت تأیید وجود رابطه بین دو متغیر، می‌توان میزان رابطه ابعاد دو متغیر و فرضیه‌های پژوهش را نیز بررسی کرد. نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول شماره (۵). ضریب همبستگی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی

متغیر	آماره	۱	۲
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	
	سطح معناداری		
مدارای اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۲۵۱*	۱
	سطح معناداری	۰/۰۲۰	

ضریب همبستگی در سطح $P < 0/05$ *

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، دو متغیر با ضریب همبستگی $r = 0/251$ و در سطح معناداری $sig = 0/02$ با یکدیگر رابطه دارند؛ بنابراین، در ادامه، ضریب همبستگی فرضیه‌های پژوهش را بررسی می‌کنیم.

جدول شماره (۶). آزمون همبستگی رابطه بین ابعاد اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی

متغیر	آماره	مدارای اجتماعی	رفتار مبتنی بر اعتماد	گرایش‌های همکاری جویانه	صراحت	صداقت	اطمینان
مدارای اجتماعی	ضریب همبستگی سطح معناداری	۱					
رفتار مبتنی بر اعتماد	ضریب همبستگی سطح معناداری	۰/۲۲۹*	۱				
گرایش‌های همکاری جویانه	ضریب همبستگی سطح معناداری	۰/۲۰۷	۰/۴۳۳**	۱			
صراحت	ضریب همبستگی سطح معناداری	-۰/۰۹۴	۰/۱۰۸	۰/۰۸۸	۱		
صداقت	ضریب همبستگی سطح معناداری	۰/۰۳۰	۰/۰۷۰	۰/۲۹۶**	۰/۲۵۲*	۱	
اطمینان	ضریب همبستگی سطح معناداری	۰/۱۴۵	۰/۰۱۷	۰/۰۷۲	-۰/۲۵۲	۰/۲۱۰	۱

** ضریب همبستگی در سطح $P < 0/01$

* ضریب همبستگی در سطح $P < 0/05$

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، در شرایط اطمینان $0/95$ و در سطح معناداری $0/05$ می‌توان گفت، بین رفتار مبتنی بر اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان ($r = 0/229$) رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). ضریب همبستگی میان بُعد اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان ($r = 0/145$) و ($p > 0/05$) رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، در شرایط اطمینان $0/99$ و در سطح معناداری $0/01$ ، بین تمایلات همکاری جویانه با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان ($r = 0/207$)، در سطح ($p < 0/01$) رابطه معناداری وجود دارد. بین صراحت ($r = -0/094$) و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان ($p > 0/01$) رابطه معناداری وجود ندارد. میان صداقت ($r = 0/030$) با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان نیز در سطح ($p > 0/01$) رابطه معناداری وجود ندارد.

۹. بحث و بررسی

بر اساس فرضیه نخست پژوهش، بین رفتار مبتنی بر اعتماد با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که قدرت رابطه میان رفتار مبتنی بر اعتماد، برابر $0/229$ در سطح خطای $0/05$ محاسبه شده است که نشان

می‌دهد، همبستگی مشاهده‌شده، معنادار است؛ بنابراین، با اطمینان $0/95$ میان رفتار مبتنی بر اعتماد با مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه نخست، تأیید می‌شود. فرضیه دوم بر رابطه میان گرایش‌های همکاری‌جویانه با مدارای اجتماعی دانشجویان تهران دلالت دارد. قدرت رابطه میان بعد صراحت و اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی در سطح خطای $0/01$ برابر $0/207$ محاسبه شده است که نشان می‌دهد، همبستگی مشاهده‌شده معنادار است و بین گرایش‌های همکاری‌جویانه با مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود. برپایه فرضیه سوم، صراحت با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه دارد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که قدرت رابطه میان صراحت با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، برابر $0/094$ - است که مقدار اندک و معکوس است و در سطح معناداری بیشتر از $0/01$ نشان می‌دهد که همبستگی مشاهده‌شده معنادار نیست و بین آن‌ها رابطه وجود ندارد و فرضیه سوم تأیید نمی‌شود. براساس فرضیه چهارم، میان صداقت و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. براساس نتایج به‌دست‌آمده، قدرت رابطه میان صداقت و مدارای اجتماعی در بالاتر از سطح معناداری $0/01$ برابر $0/030$ است که نشان می‌دهد، همبستگی مشاهده‌شده معنادار نیست و فرضیه چهارم رد می‌شود. سرانجام، براساس فرضیه پنجم، میان اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. برپایه نتایج به‌دست‌آمده، قدرت رابطه میان اطمینان با میزان مدارای اجتماعی در سطح معناداری بیشتر از $0/05$ و اطمینان $0/95$ برابر با $0/145$ گزارش شده است که نشان می‌دهد، همبستگی مشاهده‌شده معنادار نیست و میان بعد اطمینان از متغیر اعتماد اجتماعی و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه پنجم نیز رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

تعامل و مدارا در روابط اجتماعی، یکی از پایه‌های بقای اجتماع به‌شمار می‌آید و وجود اعتماد اجتماعی است که کنش جمعی جوامع را تسهیل می‌کند. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده است که اعتماد اجتماعی، نقش مهم و

تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تقویت مدارای اجتماعی دارد. افزایش اعتماد، یکی از عوامل مهمی است که فضای لازم را برای تربیت و پرورش سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشوری، دانشجویان آن کشور به‌شمار می‌روند، زیرا تحصیلات دانشگاهی، تعداد دانشگاه‌ها، و دانشگاهیان، نشان‌دهنده گستره و سطح فرهنگ و توسعه هر کشوری است. بین میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان به یکدیگر و به قومیت‌های موجود دیگر با میزان مدارای اجتماعی، احساس تعلق، احساس مسئولیت و احساس وظیفه در برابر دیگرانی که دارای ارزش‌ها و منافع و اهداف مشترکی هستند، رابطه وجود دارد. در این پژوهش، رابطه میان ابعاد اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ساکن در خوابگاه دانشگاه تهران، بررسی شد.

برپایه نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه نخست پژوهش، بین رفتار مبتنی بر اعتماد و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان در سطح $(p < 0/05)$ و خطای $0/95$ ، رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان، مدارای اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های مقتدری (۱۳۸۹)، حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، ثریاسیتانگ و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. در واقع، در جوامع توسعه‌یافته، ارتباطات توسعه‌یافته و امکان برقراری ارتباط به روش‌های گوناگون وجود دارد و چنانچه میزان اعتماد مردم در جامعه‌ای پایین باشد، نوعی انفعال‌گرایی در مردم به‌وجود می‌آید که خود، ضد توسعه به‌شمار می‌آید؛ این در حالی است که ارزش‌های دینی و اخلاقی، توان مدارا و در نتیجه اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند، تنش را کاهش و انسجام بین مردم یک ملت را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود، نه تنها در فضای دانشگاه، بلکه در خوابگاه‌های دانشجویی نیز برنامه‌های دینی و عقیدتی، با مشارکت و اجرای خود دانشجویان اجرا شود.

فرضیه دیگر پژوهش، بر وجود رابطه میان گرایش‌های همکاری‌جویانه با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان دلالت داشت و نشان داده شد که میان گرایش‌های همکاری‌جویانه و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، در سطح $(p < 0/01)$ و خطای $0/99$ ، رابطه وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان تمایل همکاری‌جویانه در

بین دانشجویان، میزان مدارای اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های هالپرن (۲۰۰۳)، ظهیری‌نیا و نیک‌خواه (۱۳۹۴)، و گلابی و رضایی (۱۳۹۲) همسو است. به‌زعم پانتم، همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیرهٔ اساسی‌ای از سرمایهٔ اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌هایی از تعهد مدنی وجود داشته باشد، به‌آسانی انجام می‌شود و از آنجاکه مدارا، هم در رفتار و هم در گفتار و کردار افراد ظاهر می‌شود، نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام‌آمیز را در بین افراد و گروه‌ها و قومیت‌ها در رویارویی با یکدیگر شکل می‌دهد.

فرضیهٔ دیگر پژوهش، رابطه میان صراحت و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که بین این بُعد از اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی در سطح $(p < 0/01)$ و خطای ۰/۹۹ درصد رابطه‌ای وجود ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش بهشتی و رستگار (۱۳۹۱) همسو است. از آنجاکه فضای اخلاق عمومی، به‌معنای رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط اعضای جامعه است و با توجه به اینکه ماهیت مدارا به‌گونه‌ای است که مردم، حق دارند برپایهٔ باورهایشان رفتار کنند، پذیرش تفاوت‌ها، بی‌تفاوتی، تک‌روی و فقدان حس تعاون و تحرک در جامعه را کاهش داده و به‌استفاد همگانی از منابع محدود در جامعه کمک می‌کند، نابرابری‌ها را فروکاسته و در نتیجه، نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می‌کند و موجب می‌شود که افراد جامعه با مدارای بیشتری در کنار یکدیگر زندگی کنند.

برپایهٔ فرضیهٔ چهارم، میان صداقت و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. طبق نتایج به‌دست‌آمده، قدرت رابطه میان صداقت با مدارای اجتماعی در بالاتر از سطح معناداری ۰/۰۱ برابر ۰/۰۳۰ است که نشان می‌دهد، همبستگی مشاهده‌شده معنادار نیست و فرضیهٔ چهارم رد می‌شود. همان‌گونه که آموزش‌های دینی، اعتقادی، و اخلاقی در تمام جوامع و ادیان بر لزوم صداقت تأکید داشته‌اند، زتومکا نیز معتقد است، اجتماع اخلاقی، شیوهٔ خاص ارتباط داشتن با دیگران است که آن را به‌صورت «ما» تعریف کرده‌اند. مقولهٔ «ما» با سه الزام اخلاقی اعتماد، وفاداری، و همکاری با دیگران تعریف می‌شود. برپایهٔ این تفسیر، در اجتماع اخلاقی سه مؤلفه اصلی وجود دارد که نخستین آن‌ها، اعتماد، یعنی انتظار رفتار

صادقانه از دیگران در برابر خودمان است. دومین آن‌ها وفاداری، یعنی پایبندی به نقض نکردن اصول اعتماد به کسانی است که به ما اعتماد کرده‌اند و برای انجام وظایف، به واسطه اعتماد شخصی آنان، پیش قدم شده‌اند. سومین مؤلفه آن، تجانس، یعنی توجه به منافع دیگران و آمادگی برای انجام وظیفه در برابر دیگران، حتی اگر آن وظیفه با منافع شخصی ما در تعارض باشد؛ بنابراین، از آنجاکه دانشجویان هر کشور می‌توانند عامل سازندگی و بالندگی آن کشور در آینده باشند، لازم است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سازمان جوانان در راستای ترویج اخلاق صادقانه برنامه‌ریزی کنند.

سرانجام، برپایه فرضیه پنجم، میان اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. مشخص شد که در سطح بالای ($p < 0/01$) و خطای ۰/۹۹ درصد، بین اطمینان و میزان مدارای اجتماعی دانشجویان ($r = 0/145$) نیز رابطه معناداری وجود ندارد. وجود اعتماد و شفافیت، قابلیت و توانایی، افزایش سطح پیشرفت، و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و افزایش مسئولیت‌پذیری را به همراه دارد و احساس امنیت، سبب ایجاد آرامش می‌شود، و در این امنیت اجتماعی به وجود آمده، همگان اطمینان دارند که معیارها رعایت شده و از انحراف‌ها جلوگیری شده است، روابط بین‌فردی و تعاملات معنا پیدا می‌کند و توسعه یافته و تقویت می‌شود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود، مسئولان کشور، نگاه آسیب‌شناسانه‌ای به وجود بی‌صدقتی و بی‌اطمینانی در جامعه، و در رفتار، گفتار، و اعمال خود و وقایع کشور همچون فساد مالی، اداری، تبعیض، و نابرابری، و... داشته باشند و آن را مورد بازبینی و کارشناسی قرار دهند و با اصل قرار دادن آموزه‌های اسلام، برای ترویج وفاق و اعتماد در میان مردم جامعه تلاش کنند.

پژوهش حاضر به دلیل شرایط زمانی و مکانی، در نمونه کوچکی از دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه تهران اجرا شده است و تأیید، تعمیم، و کاربرد نتایج آن مستلزم انجام دادن پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های بزرگ‌تر است. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود، عوامل مؤثر فرهنگی بر توسعه اجتماعی را در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی بررسی و مطالعه کنند.*

منابع

- الوانی، سیدمهدی؛ دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۰)، «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵)، «قومیت و ابعاد آن در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴.
- انعام، راحله (۱۳۸۰)، «بررسی اعتماد بین‌شخصی در میان روستاییان شهریار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء.
- ابراهیمی، رحمان؛ علی‌پورنجمی، سکینه (۱۳۹۲)، «بررسی کیفی نقش کتابخانه‌های عمومی در ایجاد و ارتقای اعتماد اجتماعی»، پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۳(۲۹).
- اوفه، کلاس (۱۳۸۴)، «چگونه به شهروندان اعتماد کنیم»، در: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به‌کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: شیرازه.
- ارسیا، بابک؛ ساعی، احمد (۱۳۹۸)، «تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۹).»
- بهراد، داود (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی، بستری برای ارتقای سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
- بهشتی، صمد؛ رستگار، یاسر (۱۳۹۱)، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی»، مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
- تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۹۲)، «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال سوم، شماره هشتم.
- جلاتیان بخشنده، وجیهه؛ قاسمی، وحید؛ ایمان، محمدتقی (۱۳۹۶)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختاربندی گیدنز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۲.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۵)، «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ زالی‌زاده، مسعود؛ زالی‌زاده، محسن (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره پیاپی (۶۰)، شماره ۴.

دومهری، مصطفی؛ بهبان، شاپور؛ جهانبخش، اسماعیل (۱۳۹۸)، «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله استان مازندران»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال بیستم، شماره ۴۷.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد؛ یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: نشر ستوده.

رضایی، محمد؛ آذین، احمد؛ جعفری‌نژاد، مسعود (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹.

سراج‌زاده، سیدحسین؛ شریعتی‌مزیانی، سارا؛ صابر، سیروس (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۴.

ظهیری‌نیا، مصطفی؛ نیک‌خواه، هدایت‌اله (۱۳۹۴) «سنجش میزان اعتماد اجتماعی بین ساکنان شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن»، جامعه‌پژوه فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول.

فتحعلی، محمود (۱۳۷۸)، تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی، قم: مؤسسه فرهنگی طه.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایران.

قدیمی، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «اعتماد و نظم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، شماره اول، شماره پیاپی ۲۷.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

کلاس، اوفه (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی؛ چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، تهران: نشر شیرازه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گلابی، فاطمه؛ رضایی، اکرم (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱.

مسعودنیا، حسین؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ مهربانی کوشکی، راضیه؛ پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی»، مسائل ایران، سال پنجم، شماره ۲.

مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹)، «بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در جامعه شهری اهواز»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز.

Trust in Societies Based on Sociological Theories", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 82.

Agius, Emmanuel, Ambrosewicz, Jolanta (2013), *Toward Culture of Tolerance and Peas*, International Bureau for Childerens Rights.

Crowley, Frank, Walsh, Edel (2018), "How Important are Personal Ties, Trust and Tolerance for Life Satisfaction in Europe?", *SRERC Working Paper Series*, No. SRERCWP2018-1, University College Cork, Spatial and Regional Economic Research Centre (SRERC), Cork.

Coleman, J. S (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *The American Journal of Sociology*, No.94, S95-S120.

Gibson, James L. (2006), "Enigmas of Intolerance: Fifty Years after Stouffer's Communism, Conformity, and Civil Liberties", *Perspectives on Politics*, Vol.4, No.1.

Halpern, Leah Webb. (2003), "The Effect of Higher Education on Tolerance: An Investigation of Political and Cultural Attitudes of College Students", *Academic Forum*, No.21.

Inghart, Ronald (1991), "Trust Well-being and Democracy", in *Warren Marke Democracy and Trust*, Cambridge University press.

Johanston, L, Dy Bachman.J.G.P.O Malley (1993), *Monitaring the Future: Questionnaire Respones from the Nation's Highschool Seniors 1991*, Ann Arbor, MI: Institute for Social Reserch.

King, Piter (1976), *Tolereation*, London: Geore Allen& Unwin.

Luhmann, Niklas (1979), *Trust and Power*, New york: Wiley.

Putnam, R. (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.

Putnam, Robert (2000), *Bowling Alone. The Callapse and Revival of American Community*, New York, Simon and Schuster.

Sintang, Suraya, Khambali, Khadijah (2013), "The Culture of Tolerance in Families of New Muslims Convert", *Middle East Journal of Scientific Research*, Vol 15.

Sztompka, Pioter (2000), *Trust: A Sociological Theory*, Cambridge University press.

Verkuyten.M (2007), "Tolerance of Muslim belifs and Practices: Age Related Differences and Context Effects", *International Journal of Behavioral Development*, No.31(5).

Vogt,paul (2002), "Social Tolerance and Education", *Review of Education, Pedagogy, and Culturalthy Studies*, 9 (1): 41-52

Widmalm, S (2005), "TRUST and Tolerance in India: Findings from Madhya Pradesh and Kerala", India Review, Vol.4, No.3.

